

دخلوخرج

شنبه ۷ دی ۱۳۹۸ – شماره ۴۶

خراسان شماره ۲۰۲۷۸

کسب و کار



صاحب امتیاز:
موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول:
محمد سعید احدیان
سرمدبیز:
سیدعلی علوی
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی
صندوق پستی: ۵۱۱ – ۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۴۴۰۰۰ – ۵۱۱
نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۴۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۳۷۰۱۰ – ۰۵۱
پیکلک: ۲۰۰۰۹۹۹۹
چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱ – ۰۵۱
نمابر تحریریه: ۳۷۶۴۵۰۱ – ۰۵۱

مُسکَن ساز دردهای مردم

حوزه های تخصصی زمانی با اهمیت تر می شوند که به گونه ای با جان و سلامتی مردم مرتبط شوند. در این

بین حوزه داروسازی یکی از حیطه هایی است که حساسیت و توجه بیشتری را می طلبد. امروز پای صحبت های مردی نشستہ ایم که در پی برآوردن آرزوی کودکی اش تا آن طرف کره زمین رفته و برگشته است. حمیدرضا راسخ مرد حوزه داروسازی مهمان امروز ماست.

حمید رضا در سال ۱۳۴۱ و در کرمان به دنیا آمد. خانواده او نمونه بارز یک خانواده اصیل و سنتی بود. مادر او خانه دار و پدرش نیز دارو ساز بود.

زندگی حمید رضا در دوران کودکی اش و زمانی که در ایران بود، به دو بخش تحصیل و اشتغال در کنار پدرش خلاصه می شد. حمید رضا تا کلاس سوم دبیرستان در ایران و همان کرمان ماند. اما برای ادامه تحصیل به ایالات متحده کوچ کرد. حمید رضا ابتدا در رشته مهندسی وارد دانشگاه شد اما کمی که گذشت احساس کرد آن طوره‌ها که باید به این رشته علاقه ندارد. بنابراین اولین خطر زندگی اش را در

سمیه محمدنیا حنائی روزنامه نگار

همراه با کارآفرینان

کانات های ارتباطی با هفته نامه دخل و خرج

@dakhlokharjweekly

t.me/dakhlookharj weekly

تلفن: ۰۹۰۱۸۳۲۴۷۱۰

یوزرنیم: khorasan_content

حرف‌های مردم

همیشه حذف دلال ها خوب نیست

من تقریبا دو هفته است که به دنبال خرید خودرو هستم. متأسفانه با ظهور جمعه بازار خودرو و همچنین استارت آپ هایی مانند دیوار یک اتفاق افتاده است و آن هم حذف واسطه ها به عنوان کارشناس این موضوع است. هر چند من خودم نیز به این که کسی بدون این که پولی خرج کرده باشد یا زحمت کشیده باشد به عنوان واسطه یک معامله خیلی سود کند معترض هستم. اما در این باره نبود واسطه ها باعث شده است مردم به صورت سلیقه ای روی خودروهای خود قیمت گذاری کنند و چون این قیمت ها در صحنه معاملاتی صورت می گیرد کم کم تبدیل به ثرم قیمت ها می شود و این باعث می شود که پراپد ۱۴۱ مدل ۸۶، یعنی محصول ۱۲ سال پیش، ۳۲ میلیون ناقابل قیمت می خورد.

هزینه های درمان سخته آور است

تقریبا از ابتدای امسال هزینه های درمان چه در قالب هزینه های آزمایشگاهی و چه در قالب هزینه های دارویی خیلی بالا رفته است و همین موضوع باعث شده است بیشتر بیماران به درمان های خانگی روی بیاورند که در بعضی از موارد صحت و سقم این درمان ها نامعلوم است. من در یک خانه بهداشت کار می کنم و زمانی که می بینم مادران به جای بردن کودکان بیمارشان به بیمارستان به ما مراجعه می کنند دلم به درد می آید. زمانی هم که به آن ها می گویمم ما حیطه فعالیت مان به درمان های تخصصی نمی رسد با اصرار از ما می خواهند که برای کودکان بیمارشان کاری کنیم. این هزینه های بالای درمان، بیشتر از هرچیزی سلامت و جان اقشار ضعیف جامعه را به خطر انداخته است. اگر می توانید روی این مسئله هم کار کنید. حداقل دولت برای مناطق حاشیه و ضعیف نشین شهر راه حلی پیدا کند.

بیمه نوپسندگی چگونه است؟

من چند سالی است که به نوپسندگی مشغول هستم. تقریبا یکی دو تا متن منتشر شده نیز دارم. به تازگی با نوعی بیمه با عنوان بیمه نوپسندگی آشنا شده ام. اما متأسفانه منابع اطلاعاتی در این باره بسیار کم و محدود است. لطفا در این باره نیز در هفته نامه تان تحقیق کنید. آیا این نوع بیمه از زیر شاخه های بیمه خویش فرماست یا این که حتما باید کارفرمایی در قالب صاحب امتیاز انتشاراتی داشته باشیم؟.

خودروهای دست دوم ۵۰ میلیونی؛ رویا تا واقعیت

در پرونده های خودرویی دو هفته پیش درباره خودروهای ۵۰ میلیونی جایگزین پراید گفته بودید. می خواستم یک نصیحت برادرانه بکنم. من حدود شش ماه قبل با این تفکر که موتور پژو هر چه باشد بهتر از موتور پراید است و این خودرو ساخت فرانسه است و این حرف ها، یک خودروی پژو پارس مدل ۸۲ خریدم، اما تا همین امروز حدود ۵ میلیون تومان خرجش کرده ام و هنوز هم سر به تعمیرگاه دارم! در کنار چنین پیشنهادهایی لازم است به هزینه های بالای تعویض قطعات و تعمیر آن ها نیز اشاره کنید تا خوانندگان با وسعت دید بهتری تصمیم گیری کنند.

ربا، خبیث ترین درآمدها

ربا در لغت به معنای زیادی و افزایش و در شریعت اسلام به معنای زیاده گرفتن در وام و فروش است. مورد ربا نیز گاهی پول است و گاهی جنس به این معنا که گاهی بنول را قرض می دهند و بیش از آن چه قرض داده اند، باز پس می گیرند، تقریبا چیزی شبیه بیشتر وام های کارمزد دار که به آن ربای در وام می گویند. گاهی نیز این ربا (افزایش) در جنس قرض داده شده اتفاق می افتد. از نظر اسلام این افزایش حرام است. چرا که در واقع کاری برای به دست آوردن آن انجام نشده است. اساسا اسلام با درآمدهای یادآورده به

شدت مخالفت می کند. درباره ربا روایات بسیار زیادی داریم. زمانی که به امام صادق (ع) خبر دادند کسی رباخوار است، ایشان فرمود : اگر قدرت داشتم گردنش را می زدم (وسایل،ج ۲،ص ۴۲۹) همچنین زمانی که امام علی (ع) با رباخواری مواجه شد، از او خواست توبه کند. وقتی توبه کرد او را رها کرد و به دنبالش فرمود: رباخوار را باید از عمل خود توبه دهند، همچنان که از شرک توبه می دهند. از امام باقر (ع) نیز نقل شده است که فرمود: خبیث ترین درآمدها رباخواری است (کافی، ج ۵،ص ۱۴۷)

اش در دانشگاه و گرفتن مدارک بالاتر کم کم حمید رضا با شرکت های خصوصی داروسازی وارد معامله شد. او پروژه های دارویی را از طریق دانشگاه و از مؤسسات خصوصی تحویل می گرفت، این پروژه ها مربوط به استادان دانشگاه بود و یک سری افراد روی پروژه ها کار می کردند. بیشترین تمرکز این پروژه ها روی عوامل و مشکلات مربوط به مسائل زیست محیطی و مشکلاتی که با آن ها مواجه می شد، بود. این پروژه ها اغلب درباره داروهایی بود که روی حیوانات آزمایش می شد و تخصص حمید رضا در این زمینه طراحی مدل های حیوانی و آزمایشگاهی برای شرکت های داروسازی بود.

حمید رضا در دوران تحصیل و کارش در آمریکا به خوبی با فرایندهای داروسازی آشنا شده بود. او همچنان در سرش خدمت به ایران می گذشت بنابراین در سال ۷۴ برای همیشه آمریکا را ترک کرد و به ایران بازگشت. زندگی حرفه ای راسخ در ایران بسیار رو به پیشرفت بود. او در همان ابتدا به عنوان استادیار سم شناسی در دانشکده دارو سازی علوم پزشکی شهید بهشتی مشغول شد. یک سال بعد هم به معاونت اداری مالی دانشگاه منصوب شد.

رمز و رازهای نویسنده شدن از زبان اهل آن

فوت و فن کسب و کاری قلمی

«من عاشق نوشتن هستم. از بچگی علاقه داشتم مانند نویسندگان بزرگ کتاب بنویسم و چاپ کنم اما نمی‌دانم چه کار کنم؟ از کجا شروع کنم و چه چیزی بنویسم؟ راستی، شما می‌توانید به من کمک کنید؟» این سؤالی است که این روزها بیشتر جوانان از اهل قلم می‌پرسند. در چند سال گذشته شاهد گرایش جوانان به نوشتن بوده‌ایم البته این موضوع به خودی خود بد نیست. نوشتن نیاز طبیعی است که در همه وجود دارد اما نویسنده شدن مسئله‌ای است که با نوشتن عادی متفاوت است.با ورود شبکه‌های اجتماعی و ظهور سایت‌های وبلاگی مانند ویرگول هر کسی که توانسته چند متن بنویسد، ادعای نویسندگی می‌کند. در بیوی خود هم عبارت‌های «تولیدکننده محتوا» یا «نویسنده» می‌نویسند. این توهم کاذب که متأسفانه بعضی افراد سودجو با برگزاری کلاس و دریافت پول بر آن دامن می‌زنند، باعث شده واقعا کسی که عاشق نویسندگی است و استعداد دارد، راه خود را اشتباه برود.برای همین تصمیم گرفتیم یک بار برای همیشه راه و رسم نویسنده شدن را به طور دقیق بیان کنیم. این بار به سراغ علیرضا پورمشیر رفتیم؛ نویسنده نسل جوان. پورمشیر دانش آموخته علوم و ارتباطات اجتماعی شاخه روزنامه نگاری است و یک دهه است که در حوزه نویسندگی برای انواع رسانه ها مانند رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کند. الان هم نویسنده بر نامه مخاطب خاص است. همچنین در سال ۹۰ اولین کتاب خود را در حوزه اجتماعی چاپ کرد. با این‌حال پورمشیر هنوز خود را نویسنده واقعی نمی‌داند و می‌گوید برای رسیدن به جایگاه بزرگان راه زیادی را باید پیمایید.



قلم نو نیاز است

کاغذ گران شده و در نتیجه بهای کتاب‌ها هم افزایش داشته است. این مسئله بر کاهش مطالعه کتاب اثر منفی گذاشته است. سال ۹۰ هر کتاب ۵ هزار بار چاپ می‌شد و امسال ۱۰۰۰ بار اما این موضوع باعث نشده کتاب‌خوان‌های واقعی دست از مطالعه بکشند. کتاب‌هایی که به سبک نو نوشته شوند، خوانان زیادی خواهند داشت. مردم نیاز به قلم نو دارند. این روزها سبک خواندن‌ها عوض شده و اهل مطالعه به سمت مینیمال ها رفته‌اند. باید سبک خود را به روز کنید.

نویسندگی شروع بسیار سختی دارد. نباید در همان اول به دنبال نتیجه باشید. از نقدها ناراحت نشوید و آن‌ها را با جان و دل بپذیرید. ممکن است که یک نفر به شما حتی ناسزا هم بگوید. از او تشکر کنید. نویسندگی کار هنری است که همراه با عشق می‌آید. شما در این کار نان دل خود را می‌خورید. حاصل و دسترنج فکرتان را خواهید خورد. به امید یک شب ره صدساله رفتن وارد این حوزه نشوید. به این نگاه کنید که با نوشته خود بار مثبتی در جامعه خواهید گذاشت.از این که متن تان ایراد دارد، ترسید. همین الان متن بسیاری برای نویسندehا ایراد دارد. از این که به شما بگویند در نویسندگی پول نیست و حالا معروف شدی، بعد از آن چه خواهد شد؟ قرار نیست که اتفاق خاصی بیفتد. شما کار فرهنگی انجام می‌دهید. در حقیقت در حال خدمت به فرهنگ جامعه خود هستید.به حال برای نویسنده شدن اول ژانر خود را پیدا کنید. بعد به دنبال افراد قوی در این حوزه باشید. آثارشان را مطالعه کنید. سپس تا می‌توانید مطالعه و تمرین کنید. نویسندگی با نوشتن عادی فرق دارد. باید دیدتان را عوض کنید. به دنبال دید جدید باشید.

بزرگان کشور را خریداری و یک آرشيو از آن‌ها درست کنید.

چندبار کتاب‌هایشان را بخوانید تا طرز نوشتن و قلم آن‌ها‌دستتان بیاید.البته فقط مطالعه کافی نیست. تکرار و تمرین هم خیلی مهم است. برای نویسندگی باید پنج مرحله تکرار، تمرین، مطالعه، دست به قلم شدن و انتشار اثر را دنبال کنید. این روزها همه تربیون دارند. برخی کلاس و دوره‌های مختلف برگزار می‌کنند و برخی دیگر در فضاهای مجازی فعال هستند. متن شما را در فضای مجازی همه دنبال می‌کنند، بدون این که خودتان متوجه شوید. این فضا با این که می‌تواند تهدیدکننده باشد، اگر به خوبی استفاده شود، یک مکان استعدادیابی هم خواهد بود. هرچه را که یاد گرفتید، تکرار کنید. این‌قدر تکرار و تمرین کنید که صورت درست آن ملکه ذهن تان شود. دست از قلم برندارید، بنویسید، تا می‌توانید بنویسید. از غلط نوشتن نهراسید. نوشته‌های خود را در فضای مجازی به اشتراک بگذارید. از این که کسی به آن خرده بگیرد، ناراحت نشوید. اتفاقا باید از او تشکر کنید که با یک نقد شما را در مسیر درست قرار داده است. همچنین در دوره‌های مختلف نویسندگی شرکت کنید. دوره‌می مربوط را از دست ندهید. باز هرچه در آن جایاد گرفتید، تمرین و تکرار کنید.

ژانر خود را پیدا کنید

قدم اول در نوشتن پیدا کردن ژانر خود است. هرکسی به یک موضوعی علاقه دارد و مسلما در آن موضوع بهتر می‌تواند تحقیق کند و بنویسد؛ اجتماعی، مذهبی، سیاسی و ... بعد که ژانر خود را پیدا کردید، به دنبال سرآمدان آن حوزه باشید. چه افرادی قلم خوبی در این ژانر دارند. کتاب‌های آن‌ها را خریداری و مطالعه کنید. اگر دوره آموزشی دارند، حتماً شرکت کنید. فقط مراقب باشید. این روزها ورک شاپ های نویسندگی زیاد شده است. وقت و پول خود را برای شرکت در هر کلاس و ورک شاپی هدر ندهید. دنبال استاد واقعی این حوزه باشید. مطمئن باشید که برای هر ژانری این روزها استادی پیدا می‌شود که بتوانید آموزه‌های او را مطالعه کنید. حالا اگر فرد تا به حال کلاس نداشت یا دیگر زنده نبود، از شاگردان او کمک بگیرید. از طریق صفحه مجازی با آن‌ها در ارتباط باشید. به اصطلاح سریش باشید. بار اول شاید درست جواب ندهند اما این‌قدر پیگیری کنید تا بتوانید یک روزنه ارتباطی به دست بیاورید. برای مثال، قیصر امین پور الان دیگر زنده نیست اما مجلس‌هایی به یاد او برگزار می‌شود. در این مجلس‌ها شرکت کنید.

با کلاس رفتن نویسنده نمی‌شوید

اشتباه نکنید. با کلاس رفتن و مطالعه آثار نویسنده نمی‌شوید. باید تا می‌توانید مشق کنید و بنویسید. افراد با تجربه و خیره این کار مثلی دارند مبنی بر این که هرچه بیشتر می‌دانم و می‌نویسم، می‌فهمم که چیزی نمی‌دانم. تمرین، تمرین، تمرین. فراموش نکنید. شما تا چندبار تمرین ریاضی را حل نکنید، یاد نخواهید گرفت. نویسندگی هم به همین صورت است. باید بنویسید.

ميلاد قارونی

روزنامه نگار